

دکتر رابرت ای. پترسون، روح القدس و اتحاد با مسیح، جلسه 20، اتحاد با مسیح و الهیات سیستماتیک کلیسا، مقدسات و زندگی مسیحی، عبرانیان از طریق مکاشفه

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر رابرت پترسون در تدریس خود در مورد روح القدس و اتحاد با مسیح است. این جلسه 20، اتحاد با مسیح و الهیات سیستماتیک، کلیسا، مقدسات، زندگی مسیحی و سپس اتحاد با مسیح در عبرانیان از طریق مکاشفه است.

ما مطالعه خود را در مورد اتحاد با مسیح ادامه می‌دهیم.

در واقع، به خواست خدا، آن را به پایان می‌رسانیم و بررسی مختصری از اتحاد با مسیح و الهیات سیستماتیک خواهیم داشت. ما توجه بیشتری به اتحاد با مسیح و الهیات کتاب مقدس داشتیم و اتحاد را از طریق داستان کتاب مقدس دنبال کردیم. ما در این سخنرانی‌ها به طور سیستماتیک به این موضوع پرداخته‌ایم، زیرا من یک الهیدان سیستماتیک هستم.

نمی‌توانم جلوی خودم را بگیرم. اما حالا می‌خواهم رسماً و به‌طور خلاصه چیزهایی را که در مورد کلیسا یاد گرفتیم یادآوری کنم و سپس در مورد احکام یا مقدسات و کمی هم در مورد زندگی مسیحی - اتحاد با مسیح و الهیات سیستماتیک، کلیسا - کاری انجام دهم.

از آنجا که پولس متکلم اصلی کتاب مقدس در مورد اتحاد با مسیح است، انتظار داریم که او بیشترین مطالب را در مورد اتحاد و کلیسا بگوید و او ما را ناامید نمی‌کند. با این وجود، دیگر نویسندگان کتاب مقدس نیز در مورد این موضوع مطالب مهمی برای گفتن دارند، به ویژه پطرس در دو رساله خود و یوحنا در انجیل، رساله اول و مکاشفه. من فقط قصد دارم یک طرح کلی ارائه دهم زیرا قبلاً بخش زیادی از این موضوع را پوشش داده‌ایم.

همانطور که دیده‌ایم، کلیسا یک معبد زنده است. همانطور که در مطالعه انجیل یوحنا دیدیم، کلیسا در پدر و پسر ساکن است. همانطور که در سخنرانی‌های پولس دیدیم، کلیسا در مسیح است.

کلیسا نیز در داستان عیسی سهیم است. ما این را هم در متون پولس و هم در خلاصه‌ای از ایده‌های او دیدیم. کلیسا بدن مسیح است.

کلیسا عروس مسیح است، همینطور. وقتی به تصاویر پولس، ببخشید، از کلیسا نگاه می‌کردیم، بدن و عروس مسیح را به عنوان تصاویر اصلی پولس، استعاره‌هایی از کلیسا، می‌دیدیم. بنابراین به مقدسات یا احکام، احکام، روی می‌آوریم، زیرا آنها توسط مسیح مقدر شده‌اند.

ایده رسولان این نبود که در شام خداوند غسل تعمید بگیرند. این ایده پروردگار کلیسا بود. در متی 28: 19 و او فرمان داد که از همه ملت‌ها شاگرد بسازند، که دلالت بر بشارت دارد، آنها را به نام سه‌گانه تعمید، 20، دهند و به ایمان‌آوردگان آنچه را که عیسی به آنها آموخته بود، تعلیم دهند.

و در آخرین شامی که عیسی با شاگردانش داشت، یعنی عید فصح یهودیان در قرن اول، او شام خداوند را بنیان نهاد. بنابراین، ما آنها را احکام می‌نامیم زیرا مسیح آنها را مقرر و مقرر کرد. ما آنها را آیین‌های مقدس می‌نامیم زیرا آنها نشانه‌های مقدسی هستند که خدا از آنها برای بخشیدن فیض به قوم خود استفاده می‌کند.

من اتحاد با مسیح را در چارچوب الهیات مقدس قرار خواهم داد. من عمدتاً به دلیل مطالعه پولس، به الهیات مقدسی پایبند هستم که در آن خدا، نه صرفاً انسان‌ها، در زندگی قوم خود عمل می‌کند. تشابه بین کلام و مقدسات بسیار مفید است.

غسل تعمید و شام خداوند کلمات قابل مشاهده‌ای هستند که انجیل را در مراسم به تصویر می‌کشند. عیسی می‌خواست کلیسایش هرگز انجیل را فراموش نکند، بنابراین پیام انجیل را در دو مراسمی که به کلیسا ارائه می‌داد، یعنی غسل تعمید مسیحی و شام خداوند، گنجانده. گواه این موضوع، صریح‌ترین گواه، در اول قرن‌تین آمده است که پولس در مورد شام می‌گوید، هرگاه این نان را بخورید و این جام را بنوشید، مرگ ۱۱:۲۳ خداوند را اعلام می‌کنید تا زمانی که او بازگردد.

خوردن و آشامیدن با ایمان، اعلام کفار مسیح است. بنابراین، عشای ربانی و غسل تعمید مسیحی، کلماتی قابل مشاهده هستند. آنها انجیلی هستند که به صورت تشریفات درآمده اند تا کلیسا هرگز انجیل را فراموش نکند.

عیسی با لطف و مهربانی، انجیل را از طریق کلام موعظه شده و از طریق کلمات قابل مشاهده تعمید و عشای ربانی به کلیسای خود ابلاغ می‌کند. من تشابه کلمه مقدس را به شرح زیر درک می‌کنم: از آنجا که آنها دو شکل از کلام خدا هستند، کتاب مقدس اثربخشی را به هر دو کلام مکتوب، دوم تیموتائوس 3:15، کلام خدا که تیموتائوس از مادر و مادربزرگش شنید، که قادر است هنگام اتحاد با ایمان نجات بخشد، و به مقدسات نسبت می‌دهد.

اعمال رسولان ۲:۳۹ غسل تعمید و بخشش را به هم مرتبط می‌کند، همانطور که اعمال رسولان ۲۲:۱۶ نیز همینطور است. اول قرن‌تین ۱۰:۱۶ اتحاد با مسیح را به عشای ربانی مرتبط می‌کند. اول پطرس ۳:۲۱ به صراحت می‌گوید که غسل تعمید اکنون شما را نجات می‌دهد.

اما آیین‌های مقدس به خودی خود، یعنی صرفاً با انجام عمل، نجات نمی‌دهند. افراد تعمید یافته به طور خودکار نجات نمی‌یابند. افرادی که در شام خداوند شرکت می‌کنند، به طور خودکار حیات جاودان ندارند.

آیین‌های مقدس به خودی خود نجات نمی‌دهند، همانطور که کلام خدا نیز نجات نمی‌دهد. صرفاً شنیدن کلام خدا نجات نمی‌دهد. مردم نه تنها با شنیدن کلام خدا، بلکه با ایمان آوردن به مسیح که از طریق کلام، موعظه یا خواندن آن به سوی آنها می‌آید، نجات می‌یابند.

رومیان ۱۰:۱۷، ایمان از شنیدن و شنیدن کلام درباره مسیح حاصل می‌شود. به همین ترتیب، نه تعمید گرفتن و نه دریافت شام خداوند به طور خودکار نجات نمی‌دهند. اما وقتی کسی به انجیل ایمان می‌آورد، چه از طریق موعظه و چه از طریق احکام، نجات می‌یابد.

برای مثال، مردم به مسیح برای رستگاری ایمان آورده‌اند، زیرا شام را با کلمات تأسیس برگزار می‌کنند. زیرا در آنجا، مرگ خداوند اعلام می‌شود. اول قرن‌تین ۱۱:۲۶، فکر می‌کنم قبلاً ۲۳ را گفتم.

خدا هم از طریق کلام و هم از طریق احکام عمل می‌کند. با این حال، کلام برای رستگاری ضروری است. من در اینجا یک شرط مهم را مطرح می‌کنم.

کلام برای نجات ضروری است، و آیین‌های مقدس برای نجات کاملاً ضروری نیستند. کلام برای نجات ضروری است، در حالی که احکام اینطور نیستند. اول قرن‌تین ۱: ۱۴-۱۷، پولس می‌گوید: «خداوند را شکر می‌کنم که هیچ یک از شما را تعمیم نمی‌دهم».

آیا می‌توانید تصور کنید که پولس بگوید، خداوند را شکر می‌کنم که انجیل را به هیچ یک از شما موعظه نمی‌کنم؟ این غیرممکن است. او خوشحال بود که آنها را غسل تعمیم نداده بود زیرا آنها از قبل به فرقه‌ها تقسیم شده بودند. و مطمئناً، اگر پولس به معنای واقعی کلمه برخی از مردم را غسل تعمیم می‌داد، آنها در گروه پولس قرار می‌گرفتند.

همانطور که واکنش ما به کلام موعظه شده مهم است، واکنش ما به انجیل در احکام نیز مهم است. افراد تعمیم یافته‌ای که از ایمان روی برمی‌گردانند، نجات نمی‌یابند. آنها خود را محکوم می‌کنند.

افرادی که عشای ربانی را دریافت می‌کنند و پیام آن را رد می‌کنند، به داوری می‌رسند، که دقیقاً همان چیزی است که پولس در اول قرن‌تین 11: 27-32 می‌گوید. بسیاری از شما ضعیف هستید. برخی از شما ضعیف هستید. برخی از شما بیمار هستید و برخی از شما خوابیده‌اید.

این یک تعبیر حسن تعبیر برای مرگ است. با این حال، خدا داشت داوری دنیوی را بر مؤمنان قرن‌تین نازل می‌کرد، نه داوری ابدی را، زیرا آیه بعدی می‌گوید، و بهتر است آن را بخوانم تا درست متوجه شوم، که وقتی این اتفاق می‌افتد، آنها توسط خداوند تأدیب می‌شوند تا با دنیا محکوم نشوند. بنابراین آن داوری‌هایی که من الان ذکر کردم، به همین دلیل است که برخی از شما، بسیاری از شما، اول قرن‌تین 11:30، ضعیف و بیمار هستید و برخی نیز مرده‌اند.

این رقم را به معنای خوابیدن یا به خواب رفتن ترجمه می‌کند. اما اگر خودمان را قضاوت ESV ترجمه می‌کردیم، مورد قضاوت قرار نمی‌گرفتیم. اما وقتی خداوند ما را قضاوت می‌کند، ما را تأدیب می‌کند تا با دنیا محکوم نشویم.

اینها داوری‌های دنیوی، ضعف، بیماری و مرگ هستند. داوری قوی از جانب خداوند، اما همچنان قوم خود را نجات می‌دهد زیرا او از آنها خشمگین است زیرا آنها در زندگی خود پیام شام را به اشتباه تفسیر می‌کردند، که همانطور که دیدیم، اتحاد عمودی با مسیح، مشارکت در بدن و خون او از طریق مشارکت ایمانی در عناصر، و سپس اتحاد افقی با یکدیگر است. همه ما یک بدن هستیم، زیرا همه ما از یک نان که در میان جماعت پخش می‌شود، سهم می‌بریم.

اما آنها با دیگر مؤمنان یکی نبودند. برخی شام‌های مفصلی می‌خوردند و اجازه می‌دادند که هم‌نوعانشان در آگابه، وعده غذایی مشترک مرتبط با شام خداوند در قرن‌تس، گرسنه بمانند. پولس به هیچ وجه خوشحال نیست و خدا برای اصلاح قومش، داوری‌های دنیوی خود را بر آنها نازل می‌کند.

چه کسی عامل اصلی در موعظه و اجرای احکام است؟ هر واعظ انجیلی تأیید می‌کند که او صرفاً سخنگوی از طریق او عمل می‌کند. دوم قرن‌تین ۵۲۰، ما از طرف خدا از شما، P خداست، واعظ اصلی، با حرف بزرگ التماس می‌کنیم، مسیح، از طرف خدا، با خدا آشتی کنید. دوم قرن‌تین ۵۲۰، بگذارید درست بگویم، بنابراین ما سفیران مسیح هستیم، خدا از طریق ما درخواست خود را مطرح می‌کند، ما از طرف مسیح از شما التماس می‌کنیم، با خدا آشتی کنید.

این خداوند است که از طریق رسولان درخواست خود را مطرح می‌کند. و بنابراین، به معنای مشتق شده با واعظ انجیل است. واعظ انجیل را موعظه می‌کند، اما خداوند از طریق واعظ انسانی که صرفاً سخنگوی اوست، پیشنهاد حیات جاودان و بخشش را ارائه می‌دهد.

(M با حرف بزرگ) اگر کسی به این باور نداشت، موعظه کردن را متوقف می‌کرد. خدا همچنین خادم اصلی در آیین‌های مقدس است. این انسانی که غسل تعمید می‌دهد یا شام خداوند را برگزار می‌کند، نیست که فیض می‌بخشد.

این خداست که از طریق کلام مرئی در غسل تعمید و شام، وعده‌هایی به قوم خود می‌دهد که باید به آنها پاسخ دهند. خدا در کلمات مرئی شام خداوند وعده می‌دهد و هنگامی که با ایمان به آن عمل شود، به وعده خود عمل می‌کند. صرف انجام عمل مقدس نجات‌بخش نیست.

بنابراین من هر دو برداشت کاتولیک رومی و لوتری از عشای ربانی را رد می‌کنم. تمرکز بر نان و شراب اشتباه است. در عوض، تمرکز بر مسیح است که ما را دوست داشت و خود را برای ما فدا کرد.

او از طریق روح القدس، فیض را از آسمان عطا می‌کند. روح، حلقه اتصال و پیوند بین مسیح عروج‌یافته و شرکت‌کنندگان وفادار است. روح، حقیقتاً و از نظر روحانی، اما نه از نظر فیزیکی، مزایای کفاره مسیح را به شرکت‌کنندگان مؤمن منتقل می‌کند.

بنابراین، شام خداوند وسیله‌ای است که مسیح از طریق آن به ایمانداران فیض می‌بخشد. سینکر فرگوسن در کتاب بسیار خوبش درباره روح القدس، شایسته نقل قول است. نقل قول، نقش روح القدس در شام خداوند بسیار حیاتی است.

ex opere، تنها با درک اثر او می‌توانیم از افتادن در دام اشتباهاتی که هم در کاتولیک‌ها (با حروف بزرگ، با صرف اجرای اثر، فیض عطا می‌شود و هم در برداشت‌های یادبودگرایانه انجیلی از شام آخر (operato) گریبان‌گیرمان شده است، اجتناب کنیم. این یک نماد صرف است و هیچ فیضی واقعاً منتقل نمی‌شود. ما نه از طریق مدیریت کلیسا یا صرفاً با فعالیت خاطراتمان، بلکه از طریق روح القدس از ارتباط با مسیح، مصلوب برخاسته و اکنون متعالی شده، لذت می‌بریم.

زیرا مسیح نه در نان و شراب، مطابق دیدگاه کاتولیک، محدود شده است و نه در شام غایب است، چنانکه گویی والاترین فعالیت ما به یاد آوردن اوست، مطابق دیدگاه یادبودگرایان. بلکه او از طریق عناصر و توسط روح شناخته می‌شود. در شام، ارتباطی حقیقی با مسیح وجود دارد.

همانطور که در موعظه کلام، او نه به صورت محلی در کتاب مقدس یا با ایمان آوردن، بلکه به واسطه خدمت روح حضور دارد. بنابراین، او در شام نیز حضور دارد، نه در نان و شراب، بلکه به قدرت روح. بدن و خون مسیح در عناصر محصور نشده است زیرا او در دست راست پدر است، اعمال رسولان ۳:۲۱. اما به قدرت روح، ما به حضور او آورده می‌شویم و او در میان ما می‌ایستد.

من تأیید می‌کنم که غسل تعمید و شام خداوند، اساسی‌ترین، جامع‌ترین و عمیق‌ترین معنای مشترک خود یعنی اتحاد با مسیح را دارند. این موضوع مشکلی را ایجاد می‌کند. اگر هم غسل تعمید و هم شام، نشان‌دهنده اتحاد با مسیح هستند، تفاوت بین آنها چیست؟ آیا عشای ربانی صرفاً تکرار غسل تعمید است؟ پاسخ این سؤالات در تمایز قائل شدن بین اتحاد اولیه با مسیح، که در غسل تعمید نشان داده شده است، از اتحاد مداوم با مسیح، که در عشای ربانی نشان داده شده است، نهفته است.

این موضوع سوالات بیشتری را مطرح می‌کند. آیا اتحاد اولیه ما با مسیح کافی نیست و نیاز به تقویت دارد؟ شام چه کاری انجام می‌دهد که غسل تعمید انجام نمی‌دهد؟ پاسخ‌ها در اینجا در درک این نکته نهفته است که اتحاد یک‌باره ما با مسیح، که در غسل تعمید نشان داده می‌شود، تقویت و تقویت می‌شود. کالوین، من قبلاً سعی کردم چند سخنرانی پیدا کنم، اما نتوانستم آنها را پیدا کنم.

اتحاد یک‌باره و همیشگی ما با مسیح که در غسل تعمید نمایان می‌شود، با شرکت در شام خداوند با ایمان تقویت و نیرو می‌گیرد. اگر آن را با بخشش مقایسه کنیم، این را بهتر درک می‌کنیم. ما یک‌بار برای همیشه از مسیح بخشش دریافت می‌کنیم، یک تبدیل، اما با اعتراف به گناهانمان، بخشش روزانه را از او دریافت می‌کنیم.

یک مثال از ازدواج مفید است. ما ازدواج دائم داریم. در این مثال طلاق مجاز نیست.

ما دوباره ازدواج نمی‌کنیم، زیرا همسرانمان را دوست داشته‌ایم و در طول سال‌ها با آنها معاشرت داشته‌ایم. روز عروسی ما پایان نیست، بلکه آغاز یک رابطه مادام‌العمر است که با برقراری ارتباط و همراهی با یکدیگر رشد می‌کند. در زندگی معنوی ما نیز همین‌طور است.

وقتی به مسیح، آن‌طور که در انجیل آمده است، اعتماد کنیم، خداوند ما را یک بار برای همیشه به پسرش می‌پیوندد. اما رابطه ما با او با عشق ورزیدن به او، همراهی با او و انجام اراده‌اش رشد می‌کند. متیسون، دیدگاه کالوین را به طور خلاصه بیان می‌کند.

راز تعمید با اتحاد اولیه‌ی مؤمن با مسیح مرتبط است. راز شام خداوند با اتحاد مداوم مؤمن با مسیح مرتبط است. در شام خداوند، مؤمن تغذیه و تقویت می‌شود و ارتباط و اتحاد او با مسیح تقویت و افزایش می‌یابد.

کتاب متیسون در مورد شام خداوند برای شما ارائه شده است. آخرین جنبه ما از مسیحیت، از الهیات سیستماتیک، در رابطه با اتحاد با مسیح، زندگی مسیحی است. و در اینجا، ما در واقع چیزهای زیادی در این مسیر گفته‌ایم.

می‌خواهم چند چیز را به هم ربط بدهم. اتحاد با مسیح در کتاب مقدس آشکار شده است و با این حال فراتر از درک بشر است. این یک اصطلاح کلی برای طرح نجات از ابدیت تا ابدیت، از برگزیدگی تا رستخیز است.

همچنین این اصطلاح خاصی برای کاربرد نجات است زیرا اتحاد واقعی فقط می‌تواند با افراد واقعی رخ دهد. این هم چتری بر فراز تمام جنبه‌های کاربرد نجات است و هم چسبی که آنها را به هم نگه می‌دارد. تأثیر اتحاد با مسیح بر زندگی مسیحی بسیار زیاد است.

این هویت مسیحی را تشکیل می‌دهد. مؤمنان در مسیح هستند و در نجات با او ارتباط تنگاتنگی دارند. اتحاد بین مسیح و مسیحیان توسط روح القدس ایجاد می‌شود و جامع، حیاتی و دائمی است.

مؤمنان به صورت جمعی و فردی به مسیح پیوسته‌اند. به طرز شگفت‌آوری، آنها و پدر، پسر و روح القدس متقابلاً در یکدیگر ساکن هستند. آنها به لطف و از طریق ایمان، در داستان عیسی از مصلوب شدن تا ظهور مجدد او سهیم هستند.

و تنها در آن صورت هویت آنها به طور کامل آشکار خواهد شد. اتحاد با مسیح به معنای تعلق داشتن به مسیح است. مهمترین کار روح القدس در نجات، همان‌طور که در ابتدای این سخنرانی‌ها گفتیم، متحد کردن ما با عیسی مسیح، واسطه عهد جدید، است.

در نتیجه، او تا ابد به ما تعلق دارد و ما برای او. از آنجا که ما به مسیح تعلق داریم، با او رفاقتی داریم، شبیه رفاقت صمیمانه زن و شوهر. ما عروس مسیح هستیم و او ما را عمیقاً دوست دارد.

در نتیجه، تثلیث مقدس، به ویژه روح القدس، در ما ساکن است. اتحاد با مسیح به معنای رنج کنونی و جلال آینده است. از آنجا که ما در مرگ او با او یکی شده‌ایم، در رنج‌های او شریک هستیم.

ما به واسطه فیض از طریق ایمان نجات یافته‌ایم و به همین ترتیب، به واسطه فیض از طریق ایمان استقامت می‌کنیم. خداوند قوم خود را هنگام رنج تقویت می‌کند و آنها تا به آخر تحمل می‌کنند. به طرز مرموزی، فیض او باعث استقامت آنها می‌شود و آنها به طور فعال خود را استقامت می‌کنند.

در نتیجه، مؤمنان واقعی کاملاً و برای همیشه از مسیح روی برنمی‌گردانند. در عوض، آنها در ایمان خود باقی می‌مانند و در نهایت در جلال رستاخیز مسیح سهیم خواهند بود. همانطور که با او رنج کشیدند، تا ابد با او بر زمین جدید سلطنت خواهند کرد.

جلال از آن خداست. من مطالب بیشتری از کتاب مقدس دارم که مربوط به اتحاد با مسیح در بقیه عهد جدید پس از پولس است. اتحاد با مسیح در عبرانیان، در اول و دوم پطرس، در اول یوحنا، و سپس به طور خلاصه در کتاب مکاشفه.

اتحاد با مسیح در عبرانیان. اگرچه این موضوع مورد بحث است، من عبرانیان ۳:۱۴ را مربوط به اتحاد با مسیح می‌دانم. وقتی نویسنده می‌نویسد، ما در مسیح شریک شده‌ایم.

اگر واقعاً ما تا به آخر به اعتماد اولیه خود پایبند باشیم، او بیشتر می‌گوید که ما همراهان یا شرکای مسیح هستیم. او می‌گوید که ما در مسیح شریک هستیم. ما در او سهیم هستیم.

موارد دیگر کلمه‌ای که نویسنده در عبرانیان ۳:۱۴ به کار می‌برد، یعنی «شریکان یا سهیمان»، «متا کوی»، این موضوع را تأیید می‌کند. شما که در دعوت آسمانی شریک هستید، ۳:۱. کسانی که در روح القدس شریک هستید، ۶:۴. انضباطی که همه در آن شرکت کرده‌اند، ۱۲:۸. نویسنده سپس تعلیم می‌دهد که ما در اینکه مسیح کیست و چه کاری برای ما انجام داده است، شریک هستیم. این بدان معناست که ما در پسر خدا و فواید نجات‌بخش او شریک هستیم.

به لطف خدا از طریق ایمان، ما در شخصیت و کار او سهیم هستیم. این حقیقت نقش مهمی در عبرانیان ایفا می‌کند و می‌تواند همین کار را برای زندگی امروز ما نیز انجام دهد. خوانندگان اصلی عبرانیان، خوانندگان اصلی عبرانیان، که نویسنده بارها آنها را به استقامت در شرایط دشوار تشویق می‌کند، برای این کار به تشویق نیاز دارند.

نویسنده این دلگرمی را در جاهای کلیدی، حتی در میان هشدارها، ارائه می‌دهد، رجوع کنید به ۶:۹ و ۱۰:۳۹ و ۳:۱۴ دلگرمی بزرگی ارائه می‌دهد. نویسنده به کسانی که به دلیل وسوسه‌های هولناک و اثرات سخت‌کننده گناه، وسوسه می‌شوند از ماراتن مسیحی دست بکشند، اعلام می‌کند، نقل قول: ما آمده‌ایم تا در مسیح شریک شویم. اگر واقعاً اعتماد اولیه خود را تا انتها، برای بستن، محکم نگه داریم، کلیسای مسیح در سراسر جهان امروز باید همین کلمات را بشنود.

اتحاد با مسیح در اول و دوم پطرس. پطرس، مؤمنان به مسیح، سنگ زنده، را به عنوان خود سنگ‌های زنده به تصویر می‌کشد، زمانی که برای خدمت به او می‌آیند. اول پطرس ۲: ۴. آنها زنده هستند زیرا با سنگ زنده

تماس پیدا کرده‌اند و از او که برای آنها مرد و به واسطه اتحاد با مسیح برخاست، حیات جاودان دریافت کرده‌اند.

آنها حیات رستاخیز یافته و از نو متولد می‌شوند. ۱:۲. ۱:۲۳. خداوند از این سنگ‌های زنده برای ساختن خانه‌ای روحانی استفاده می‌کند که در آن کاهنان مؤمن، خدا را از طریق مسیح پرستش می‌کنند. ۱. پطرس تصویر پطرس از کلیسا به عنوان یک معبد روحانی، ایده‌های اتحاد فردی و جمعی با مسیح را منتقل. ۲:۵. می‌کند.

پطرس که قبلاً در آیات ۱:۱۱، ۴:۱۳ و ۵:۱ از رنج و جلال مسیح سخن گفته بود، اکنون رنج و جلال مسیح را به مسیحیان نسبت می‌دهد. نقل قول می‌کنم، شما قبلاً رنج کشیده‌اید. خدایی که شما را به جلال ابدی خود در مسیح فراخوانده است، خود شما را احیا، تأیید، تقویت و استوار خواهد کرد.

همانطور که مسیح رنج کشید و به جلال خود وارد شد، مسیحیان نیز از او پیروی می‌کنند. خدای همه. ۵:۱۰. فیض‌ها، مؤمنان رنج کشیده مورد خطاب پطرس را قادر می‌سازد تا پایان پایدار بمانند، جایی که در رستاخیز جلال ابدی را دریافت خواهند کرد. خدا قوم خود را به جلال ابدی خود در مسیح فراخوانده است.

آیه ۱۰. با در نظر گرفتن مسیح برای رفتن با جلال، من منظور پطرس را این می‌دانم که خدا ما را از طریق مسیح واسطه به جلال ابدی خود خواهد رساند. ارنست بست پیام پطرس را به بهترین شکل خلاصه می‌کند.

مؤمنان اعضای کلیسای مسیح هستند و تنها به دلیل فعالیت خدا در مسیح و از طریق او، از مشارکت نهایی در جلال او اطمینان دارند. پطرس، یکی از بزرگان و شاهدان رنج‌های مسیح و همچنین شریک در جلالی که از آشکار خواهد شد، این سخنان را بیان می‌کند. پطرس دعا می‌کند که خداوند در میان آزمایش آتشین ۵:۱ خوانندگانش به آنها آرامش عطا کند.

او رساله خود را با این کلمات به پایان می‌رساند، نقل قول، صلح بر همه شما که در مسیح هستید. ۴:۱۲. پطرس نیز مانند پولس، در آخرین درود خود به مسیح اشاره می‌کند. او به همه خوانندگان خود که در ۵:۱۴. مسیح هستند، صلح عطا می‌کند.

در اینجا منظور از «در مسیح» نه تنها مسیحی است، بلکه از رابطه جدید خوانندگان پطرس با مسیح و پیوند معنوی آنها با او نیز سخن می‌گوید. پیتر دیویدز سه کاربرد «در مسیح» پطرس را به هم پیوند می‌دهد، زمانی که می‌گوید مخاطبان پطرس، نقل قول، سبک زندگی خوب آنها، ۳:۱۶، امید آینده آنها، ۵:۱۰، و آرامش فعلی آنها، همگی به دلیل رابطه آنها با مسیح و هویتشان با او است. نامه‌های دوم پطرس و یهودا نوشته دیوید.

پطرس به طرز مشهوری گفت که از طریق وعده‌های گرانبها و بسیار بزرگ خدا، شما می‌توانید در طبیعت الهی شریک شوید، دوم پطرس ۱:۴. این سخنان تمایز بین خدا و مخلوقاتش را از بین نمی‌برد. منظور رسول این نیست که ما خدا یا بخشی از خدا می‌شویم. بلکه وقتی او در مورد شریک شدن در طبیعت الهی می‌نویسد، از مسیحیانی صحبت می‌کند که در برخی از فضایل اخلاقی خدا سهیم هستند.

آیه سه. کلمات بعدی دقیقاً تفسیر او را تأیید می‌کنند، زیرا پطرس اضافه می‌کند که از فسادی که به دلیل تمایلات گناه‌آلود در جهان وجود دارد، رهایی یافته است. نقل قول بسته، آیه چهار

مشارکت در طبیعت خدا به معنای رهایی از فساد جهان است. خدا اراده کرده است که مؤمنان در صفات اخلاقی مسیح سهیم باشند. اگرچه این صفات اخلاقی فقط در ظهور دوم در ما کامل می‌شوند، حتی اکنون از طریق روح ساکن در ما، ما تا حدی قادر به شبیه شدن به خدا هستیم.

اتحاد با مسیح در رساله اول یوحنا. رساله اول یوحنا در مورد اتحاد با مسیح کارهای زیادی برای انجام دادن دارد، چیزهای زیادی برای آموزش به ما دارد. یوحنا با نگاهی دوباره به عبارات اتحاد در انجیل خود، در رساله اول خود از دو استعاره برای اتحاد استفاده می‌کند.

اولاً، او از وجود خدا یا مسیح در ما و از وجود ما در مسیح صحبت می‌کند. ثانیاً، او می‌گوید ما در مسیح یا خدا ساکن هستیم و مسیح یا خدا در ما ساکن است. خدا یا مسیح در ماست و ما در مسیح هستیم.

یک بار، اول یوحنا می‌گوید خدا یا مسیح در شماست. چهار، چهار. متن در مورد جنگ معنوی هشدار می‌دهد.

این کتاب درباره روح دجال است که به پیامبران دروغین که تجسم پسر را انکار می‌کنند، نیرو می‌بخشد. آیات یک تا سه از اول یوحنا چهارم. خوانندگان یوحنا نباید از ترس به خود بلرزند، زیرا پیروز قدرتمند آنها بر دشمن غلبه کرده است.

در نتیجه، «شما بر آنها غلبه کرده‌اید، زیرا او که در شماست، بزرگتر از اوست که در دنیاست - آیه چهارم. نه یوحنا و نه خوانندگانش نباید به خود اعتماد کنند. بلکه پیروزی آنها به دلیل موفقیت مسیح در مرگ و رستاخیزش و به دلیل حضور او در زندگی آنها تضمین شده است. یوحنا به همین حضور قدرتمند و غالب اشاره می‌کند وقتی می‌گوید او که در شماست، بزرگتر از اوست که در دنیاست».

مسیح از شیطان و دجال قوی‌تر است و بر آنها غلبه کرده است. علاوه بر این، این مسیح فاتح در قوم خود ساکن است و از طریق حضور قادر مطلق خود به آنها پیروزی نهایی را تضمین می‌کند. اول یوحنا دو بار با اشاره به عیسی می‌گوید که ما در او هستیم.

اول یوحنا ۴:۲-۶. اول یوحنا ۵:۲۰. عبارتی که ما در او، عیسی، هستیم، معادل این است که ما حیات جاودان داریم یا پسر را می‌شناسیم.

سه روش برای صحبت در مورد برخورداری از رستگاری در اول یوحنا وجود دارد. ایماندار واقعی بودن، در پسر بودن است. در اتحاد با او بودن.

در متن اول، بودن در او از اطاعت خدا جدایی‌ناپذیر است. در متن دوم، بودن در او با شناخت شناختی و شخصی مسیح مرتبط است. سخنان یاریبرو ارزش تکرار و نقل قول دارد، بودن در مسیح یا خدا، همانطور که در اول یوحنا به تصویر کشیده شده است، به معنای شناخت کامل خدای پدر از طریق رابطه با او از طریق پسر است.

یعنی اینکه پدر در وجود خود ساکن باشد و کار خود را انجام دهد. طبق گفته اول یوحنا، در پسر خدا بودن شرط لازم برای رستگاری است.

من نقل قول مربوط به یاریبرو را قبلاً تمام کرده‌ام. این نقل قول، ساکن شدن در پسر را پیش‌فرض می‌گیرد، که به معنای ساکن شدن در او یا بودن در اوست. این ما را به آموزه والای انجیل چهارم در مورد سکونت متقابل برمی‌گرداند، که جنبه‌ای از استعاره دوم برای اتحاد در یوحنا است.

تفسیر یاربرو بر نامه‌های یوحنا همان چیزی بود که من، رابرت یاربرو، به آن اشاره می‌کردم - ماندن در مسیح یا خدا و مسیح یا خدا در ما. اولاً، یوحنا از اتحاد در قالب ماندن نیز صحبت می‌کند.

یوحنا بارها از ایماندارانی که در مسیح می‌مانند صحبت می‌کند، که پیامدهای اخلاقی دارد. کسی که ادعا می‌کند در مسیح می‌ماند، باید از الگوی عیسی پیروی کند، ۲:۶. به طور مشابه، یوحنا توضیح می‌دهد، نقل قول می‌کند، هیچ‌کس که در او می‌ماند، گناه نمی‌کند، ۳:۶. یوحنا دو بار به طور خلاصه به مسیحیان دستور می‌دهد که در مسیح بمانند. بار اول این دستور به تعلیم ایمانداران توسط روح‌القدس، یعنی مسح او، ضمیمه می‌شود، ۲:۲۷. بار دوم، اطاعت از این دستور، ایمانداران را برای بازگشت مسیح آماده می‌کند، ۲:۲۸. یک بار یوحنا اعلام می‌کند که اگر در حقیقتی که هنگام ایمان آوردن به انجیل به آنها آموخته شده است پافشاری کنند، نقل قول می‌کند، در پسر و در پدر خواهند ماند، اول یوحنا ۲:۲۴. این تنها زمانی است که گفته می‌شود مسیحیان در بیش از یک شخص الهی باقی می‌مانند.

همه اینها را باید به عنوان امتداد و کاربرد آموزه یوحنا در مورد ماندن در انجیل یوحنا در نظر گرفت. یاربرو به طور دقیق خلاصه می‌کند. ماندن، «تقریباً به یک عبارت مختصر رایج در اول یوحنا برای دل‌بستگی شخصی و همیشگی مؤمنان به مسیح تبدیل شده است. به عنوان مثال، ۲:۶ و ۲۸. یا برای حضور حقیقت نجات‌بخش خدا در مؤمنان. به عنوان مثال، ۲:۲۴، ۲:۲۷، ۳:۹.»

یاربرو، ۱ تا ۳ یوحنا نام تفسیر اوست. با این رابطه عمیق شخصی با خدا در مسیح، الزامات اخلاقی که در بالا مشاهده کردیم، به وجود می‌آیند. یوحنا ایمان‌گرایی آسان‌گیرانه را تأیید نمی‌کند.

برعکس، رساله اول یوحنا از نظر اخلاقی بسیار دقیق است. یوحنا با تعلیم اینکه ماندن در مسیح امری متقابل بین خدا و قومش است، رابطه شخصی مؤمنان با خدا در مسیح و مسئولیت‌های اخلاقی مربوطه را به سطح بالاتری ارتقا می‌دهد. دو بار در رساله اول یوحنا آمده است که خدا در ما ساکن است، ۳:۲۴، ۴:۱۲. چهار بار از این ماندن در خدا به عنوان امری متقابل صحبت می‌کند.

هر که احکام او را حفظ کند، در خدا می‌ماند و خدا در او می‌ماند، اول یوحنا ۳:۲۴. از این طریق می‌دانیم که ما در او می‌مانیم و او در ما، زیرا او از روح خود به ما داده است، ۴:۱۳. هر که اعتراف کند که عیسی مسیح است، پسر خداست، در او می‌ماند و او در خدا. من دوباره این را تکرار می‌کنم. هر که اعتراف کند که عیسی پسر خداست، خدا در او می‌ماند و او در خدا، ۴:۱۵. خدا محبت است و هر که در محبت می‌ماند، در خدا می‌ماند و خدا در او می‌ماند، ۴:۱۶. آن چهار اشاره به ماندن با خدا به عنوان امری متقابل عبارتند از ۳:۲۴، اول یوحنا ۳:۲۴ نقش مهمی ایفا می‌کند زیرا در اینجا، برای اولین بار، با ماندن متقابل. ۴:۱۶، ۴:۱۵، ۴:۱۳. بین خدا و مسیحیان روبرو می‌شویم.

ما نه تنها از چنین رابطه شخصی و صمیمانه‌ای با مسیح لذت می‌بریم، بلکه او نیز چنین رابطه‌ای با ما دارد. این حقیقت شگفت‌انگیز مشارکت مؤمنان به معنای خاص از طریق فیض و از طریق ایمان در پری کورسیس الهی یا سکونت متقابلی است که در انجیل یوحنا یافتیم. و البته، چنین امتیازی دارای مفاهیم اخلاقی است.

یوحنا زبان پایبندی متقابل را با تعهد اخلاقی ترکیب می‌کند. پایبندی متقابل در مورد کسانی که با اطاعت از فرامین خدا مشخص می‌شوند، صادق است (اول یوحنا ۳:۲۴). (اعتراف به اینکه عیسی پسر خداست) ۴:۱۵) و تداوم در عشق (۳:۱۴). (برای مطالعه، ما صحبت از بودن خدا یا مسیح در ما و بودن ما در مسیح را از مطالعه‌ی یوحنا، از اینکه یوحنا می‌گوید ما در مسیح یا خدا می‌مانیم و مسیح یا خدا در ما می‌مانیم، جدا می‌کنیم. اما اکنون زمان آن رسیده است که بپذیریم که این دو اساساً مترادف هستند، همانطور که ریموند براون اشاره می‌کند، عبارات «بودن در «و» بودن در «تقریباً قابل تعویض هستند.

شایسته است به یک موضوع دیگر، یعنی نقش روح القدس در پایداری ایمانداران، پردازیم. یوحنا دو بار در این مورد صحبت می‌کند، ۳:۲۴ و ۴:۱۲ و ۱۳. اگرچه یوحنا نقش بزرگی را که روح القدس در اندیشه پولس ایفا می‌کند، به او نسبت نمی‌دهد، اما در رساله اول یوحنا نقش کوچکی دارد.

در دو متن بالا، وظیفه روح القدس آگاه کردن مسیحیان از ماندنشان در مسیح است. یاربرو به طور مفید بر این حقیقت تأکید می‌کند و من نقل می‌کنم، یوحنا و خوانندگانش به واسطه روحی که خدا به آنها داده است ماندن خود در خدا و ماندن او در خود را می‌شناسند یا تشخیص می‌دهند، به آیات ۲:۱۸ تا ۳:۸ مراجعه کنید. این مشابه جمله‌ای است که یوحنا قبلاً در ۳:۲۴ بیان کرده است. روح القدس حلقه اتصال، حتی عاملی است که به مؤمنان اجازه می‌دهد این عمل متقابل را آنطور که هست ببینند، نشانه‌ای از حضور خدا در میان آنها، و آنها را از صحت پیامی که دریافت کرده‌اند و اهمیت اخلاقی که به پذیرش آن فراخوانده شده‌اند مطمئن می‌کند. یاربرو، ۱ تا ۳ یوحنا - در نهایت، چند کلمه در مورد اتحاد با مسیح در کتاب مکاشفه

پس از سخنان محکم در مورد جهنم و دعوت مؤمنان به استقامت در آیات ۹:۱۴ تا ۱۲، یوحنا سخنان تسلی‌بخش ایراد می‌کند. در مکاشفه ۱۴، برخی از محکم‌ترین سخنان کتاب مقدس در مورد مجازات ابدی در مکاشفه ۹:۱۴ تا ۱۲ آمده است، فرشته سوم پیامی از جانب خدا می‌آورد.

اگر کسی وحش و تصویرش را بپرستد و نشانه‌ای بر پیشانی یا دست خود بپذیرد، شراب خشم خدا را نیز خواهد نوشید، که در جام چشمانش ریخته شده و با آتش و گوگرد در حضور فرشتگان مقدس و در حضور بره عذاب خواهد کشید. و دود عذاب آنها تا ابد بالا خواهد رفت و این پرستندگان وحش و تصویرش و هر که نشان یا نامش را بپذیرد، نه روز و نه شب آرامش نخواهند داشت. پس از آن سخنان قاطع، یوحنا سخنان تسلی‌بخش ایراد می‌کند.

در این میان، او یک چیز دیگر می‌گوید. در اینجا فراخوانی برای استقامت مقدسین، کسانی که احکام خدا و ایمان خود به عیسی را حفظ می‌کنند، آمده است. و در اینجا سخنان تسلی‌بخش از راه می‌رسند.

و صدایی از آسمان شنیدم که می‌گفت، این را بنویس، خوشا به حال مردگانی که از این پس در خداوند می‌میرند. روح می‌گوید: «خوشا به حالشان، روح می‌گوید: خوشا به حالشان، تا از زحماتشان آرام گیرند، زیرا اعمالشان از پی آنها می‌آید.» یوحنا در آیه ۱۳، آرامش مبارک مؤمنان را از زحماتشان با فقدان بی‌پایان آرامش برای افراد گمشده مقایسه می‌کند.

در نگاه اول، سخنان یوحنا گیج‌کننده است. خوشا به حال مردگان، آیه ۱۳. اما وقتی در کل جمله تأمل می‌کنیم، حیرت ما به شادی تبدیل می‌شود.

خوشا به حال مردگانی که از این پس در خداوند می‌میرند. متن فقط دو قلمرو، بهشت و جهنم، یا به عبارت دقیق‌تر جهنم و بهشت، و ساکنان آنها را در کنار هم قرار می‌دهد. با توجه به رنج‌های جهنم و شادی‌های بهشت، یوحنا از عبارت «در خداوند» به شیوه‌ای شبیه به عبارت پولس در مسیح استفاده می‌کند.

بیزلی موری دقیقاً درست می‌گوید. نقل قول: مرگ برای مردگانی که در خداوند می‌میرند، وحشت خود را از دست داده است، زیرا آنها با او که با مرگ و رستاخیز خود، مرگ را برای آنها فتح کرد، متحد شده‌اند. مکاشفه گروه خاصی از مؤمنان را مشخص نمی‌کند، بلکه همه آنها را توصیف می‌کند ۱۳، ۱۴.

این متن اغلب در مراسم خاکسپاری مؤمنان نقل می‌شود، زیرا در این نقل قول، کسانی که در حالت اتحاد معنوی با مسیح عیسی به استقبال مرگ می‌روند، سعادت‌مند اعلام می‌شوند، همانطور که رابرت مونس در

تفسیر خود بر کتاب مکاشفه توضیح می‌دهد. شاید مناسب باشد که این سخنرانی‌ها را با کلام شکرگزاری به پایان برسانیم. پدر مهربان، پسر و روح القدس، ما از شما برای نجات بزرگی که در واقع بزرگتر از آن است که ما حتی بتوانیم درک کنیم، سپاسگزاریم.

ای پدر عزیز، از تو سپاسگزاریم که ما را به پسر ملحق کردی. ای روح القدس، از تو سپاسگزاریم که این کار را در ما انجام می‌دهی، و از تو سپاسگزاریم که ما را به عنوان قوم خود می‌پذیری، و در واقع اکنون و تا ابد فیض خود را شامل حال ما می‌سازی. ما از اتحاد خود با مسیح شادمانیم.

، ما برای فیض داشتن زندگی سپاسگزارانه، مقدس و عاشقانه دعا می‌کنیم. و ما تو را از طریق عیسی مسیح پروردگارمان، با قدرت روح القدس ستایش می‌کنیم. آمین.

این دکتر رابرت پترسون در تدریس خود در مورد روح القدس و اتحاد با مسیح است. این جلسه 20، اتحاد با مسیح و الهیات سیستماتیک، کلیسا، مقدسات، زندگی مسیحی و سپس اتحاد با مسیح در عبرانیان از طریق مکاشفه است.